

■ "امتیاز بهره برداری از معادن خاک سرخ هرموز" در روابط ایران و انگلستان در دوره مظفری

محمدباقر وثوقی؛ زهرا حاتمی

■ چکیده

هدف: هدف از این پژوهش بررسی نقش امتیاز بهره برداری از معادن خاک سرخ هرموز در روابط دو کشور ایران و انگلستان در دوره مظفری (قاجار) می باشد.

روش/رویکرد پژوهش: پژوهش حاضر به روش تحقیق تاریخی و با استفاده از اطلاعات لازم در منابع کتابخانه ای و آرشیوی و بر اساس نظم و توالی منطقی تاریخی نوشته شده است.

یافته ها و نتایج: یافته نشان می دهد ساختار اداری بیمار ایران عصر قاجار، از جمله فراوانی ارتش، ناتوانی دولت مرکزی در حمایت از اتباع غیر مسلمان و اشتباه اجاره بخشی از کشور سبب وقوع حوادثی چون اجاره امتیاز استخراج معادن خاک هر موز، در دوره مظفری شد به نحوی که کشمکش میان معین التجار بوشهری و ارشام و تکران حکم، از ارامنه جنوب، مدتها ادامه یافت که نتیجه آن پیروزی معین التجار و ناکامی ارامنه تحت الحمایه انگلستان در دستیابی به اجاره این امتیاز بود.

کلیدواژه ها

معین التجار بوشهری / ارشام / تکران / هرموز / روابط خارجی / انگلستان

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و یکم، دفتر چهارم، (زمستان ۱۳۹۰)، ۶۰-۷۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۱۰ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۳۰

«امتیاز بهره برداری از معادن خاک سرخ هرموز» در روابط ایران و انگلستان در دوره مظفری

محمدباقر وثوقی^۱ | زهرا حاتمی^۲

طرح مسئله

حکمرانی قاجارها در ایران نزدیک به یک قرن و نیم تداوم یافت. دوره‌ای که در آن روابط گسترده سیاسی و اقتصادی با کشورهای مختلف اروپایی، به‌خصوص روسیه و انگلستان، برقرار بود. روابط ایران و انگلستان، در دوره قاجار، با فراز و نشیب‌ها و خصوصیات گوناگونی در دوره زمامداری هریک از پادشاهان قاجاری ادامه یافت و یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ارتباط، مسئله خلیج فارس و جزایر و بنادر ایرانی این منطقه بود. جزیره هرموز، که علاوه بر موقعیت استراتژیک خود، به علت صادرات خاک سرخ از جنبه اقتصادی هم اهمیت بسیار بالایی داشت، یکی از نقاط تلاقی سیاست خارجی ایران و انگلستان در این دوره بود. این مقاله، بر آن است تا نقش «امتیاز بهره‌برداری از معادن خاک سرخ هرموز» را در روابط دو کشور، در دوره مظفری، مورد بررسی قرار دهد.

پرسش اصلی

امتیاز بهره‌برداری از معادن خاک سرخ هرموز توسط معین‌التجار بوشهری در روابط ایران و انگلستان در دوره مظفری چه جایگاهی داشت و چه عواملی سبب‌ساز این مسئله بود؟

پرسش‌های فرعی

۱. معین‌التجار بوشهری که بود؟

۱. استاد تاریخ ایران دانشگاه تهران
vosoughi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ
ایران دوره اسلامی دانشگاه تهران
Zahra.hatami1363@gmail.com

۲. منازعه معین‌التجار - ملکم‌ها چه مراحل را از سرگذرانند؟
 ۳. ساختار اداری قاجار و شیوه حکومت آنان چه تأثیری در ایجاد این مسئله در روابط ایران و انگلستان داشت؟

مدعای اصلی

در این دوره، مسئله امتیاز بهره‌برداری و صادرات معادن خاک سرخ هر موز به موضوع کشمکش میان ایران و انگلستان بدل گردید و انگلستان، به حمایت از ارامنه تحت حمایت خود که مدعی اجاره امتیاز بهره‌برداری از معادن خاک سرخ این جزیره بودند، با دولت ایران وارد مذاکراتی شد. انحرافات شغلی این دوره، از جمله رسم پیشکش دادن، ناتوانی دولت در حمایت از اتباع غیرمسلمان، و ضعف ساختار اداری در اجاره بخشی از کشور به فردی خاص در بروز این مسئله تأثیرگذار بود.

فعالیت‌های سیاسی - اقتصادی معین‌التجار بوشهری

حاج آقا محمد، پسر حاج محمد رحیم دهدشتی، ملقب به معین‌التجار بوشهری، کسی است که در طول حیات خود در دوره قاجار تا اوایل سلطنت پهلوی به نمادی از قدرت اقتصادی و ثروت افسانه‌ای بدل گردید و نامش در قصه‌های عامیانه مردم ایران در دوره قاجار و پهلوی هم وارد گردید (ساتن ۱۳۷۴، صص ۳۰۳-۳۰۸ و ۳۳۸)، ثروت خود را نه از طریق پدر بلکه از طریق عمه‌اش به ارث برد. پدر او، حاج محمد رحیم دهدشتی، پس از ورشکستگی، به عتبات رفت و در همانجا اقامت گزید. عمه او، که همسر حاج عبدالمحمد ملک‌التجار بوشهر بود، پس از فوت همسرش و به ارث بردن اموال بسیار، اختیار این اموال را که در نبود همسر به برادر شوهرش، محمد علی خان ملک‌التجار محول شده بود، به برادرزاده خود اعطا کرد. تا زمان حیات محمد علی ملک‌التجار، نفوذ و اقتدار او مانعی بر سر راه احقاق حق این خانواده بود؛ اما پس از درگذشت او، معین‌التجار به بوشهر آمد و با حاج محمد مهدی ملک‌التجار بر سر چهارصد هزار روپیه به توافق رسید و پس از آن، با شراکت و همراهی او و با سرمایه در دسترس، سفرهای تجاری بسیار به اروپا، مکه، و عتبات کرد که حاصل آن عایدات بیشتر در سال‌های آتی بود (سدید السلطنه، ۱۳۶۲، ص ۲۱؛ دشتی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵).

اینکه سید محمد کمره‌ای، او را اعجوبه‌ای در کار اقتصادی دانسته است (۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۱) و فریدون آدمیت، او را یکی از نمایندگان ترقی‌خواه و رادیکال مجلس دوره اول شورای ملی ایران و هم‌ردیف بزرگانی چون احتشام السلطنه، شیخ ابراهیم زنجانی، و صنیع‌الدوله (ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۳۳۳) قرار می‌دهد؛ نشان می‌دهد که معین‌التجار بوشهری تنها یک

تاجر سرشناس نبود و علقه‌های بسیاری، او را با رویدادهای سیاسی - اقتصادی ایران، در دوره قاجار، مرتبط می‌ساخت.

در این دوره، بندر خمیر، جزیره قشم، هرموز، و تمامی بنادر و جزایری که دارای گل سرخ، گوگرد، اکسید آهن، و نمک بودند در انحصار تجاری معین‌التجار به حساب می‌آمدند (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲، صص ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۷، ۲۵ و ۲۱۲؛ لیتن، ۱۳۶۷، ص ۱۹۴). سدیدالسلطنه، عایدات معین‌التجار از گل سرخ جزیره هرموز را بعد از وضع مصارف و مالیات، تقریباً شصت هزار تومان دانسته است (۱۳۷۱، ص ۱۷۹). همچنین، محمود محمود از مالکیت بلامنازع او بر بلوک ممسنی یاد کرده که در پیامد یک رویداد تجاری بین‌المللی رخ داد. به گفته او، کشتی تجارته انگلیسی، که حامل مقدار زیادی اسلحه و مهمات متعلق به چند کمپانی انگلیسی و نیز حاج محمد معین‌التجار و حاجی سید اسماعیل شبانکاره و حاجی ناصر بهبهانی بود، در خلیج فارس توسط کشتی جنگی انگلیسی متوقف و محموله آن به‌عنوان اسلحه قاچاق ضبط گردید. شکایت تجار انگلیسی به مقامات قضایی دولت متبوع خود راه به جایی نبرد، اما سه تاجر ایرانی با صرف مبلغی پول از دولت قاجار، بلوک ممسنی را - که تا آن تاریخ خالصه بود - در عوض مال‌التجاره خود گرفتند. ملکی که پس از اندک زمانی با کوتاه شدن دست دو تاجر دیگر به انحصار معین‌التجار درآمد (ج ۶، صص ۱۹۴-۱۹۵). معین‌التجار، تا سال ۱۳۱۶ یا ۱۳۱۷ ش. که این زمین‌ها همچنان در اختیارش بود (محمود، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۱۹۵) آنها را به افراد گوناگون از جمله صولت‌الدوله قشقایی اجاره می‌داد که درآمد قابل توجهی را برای او به ارمغان می‌آورد (سفیری، ۱۳۳۴، ص ۱۳۴).

ناصرالدین شاه، در ۱۳۰۴ ق، حق کشتیرانی در قسمت علیای رود کارون، یعنی از اهواز به بالا را، به معین‌التجار واگذار کرد و از همان زمان، قسمت شمالی شهر اهواز - که رونق تجاری بیش از پیشی یافت - به «ناصری» معروف شد. دولت ایران، تصمیم خود را در ۲۴ صفر این سال / ۱۳۰ اکتبر ۱۸۸۸، به نمایندگان خارجی نیز اطلاع داد و گوشزد نمود که اتباع دیگر کشورهای دوست تنها اجازه دارند در قسمت سفلاهی کارون یعنی در حد فاصل دهانه رود تا اهواز کشتیرانی کنند (لیتن، ۱۳۶۷، صص ۴۸-۴۹). دولت انگلستان کشتیرانی در رود کارون را وسیله‌ای مهم در جهت تسهیل ورود کالاهای انگلیسی به خاک ایران می‌دانست و از یک سال پس از واگذاری این امتیاز، کوشش آشکار و پنهانی خود را برای کسب آن آغاز کرد. کوششی که سرانجام در سال ۱۹۱۰ ثمر داد و شرکت نفت ایران و انگلیس، حق کشتیرانی در کارون علیا را - که برای کشتیرانی خارجی مجاز نبود - به دست آورد؛ که بر اساس آن، یک کشتی بخاری جهت حمل و نقل وسایل لازم تأسیسات و انتقال نفت به حرکت درآمد، اما شرکت از این حق در موارد فراوانی استفاده کرد و بارکشی در آنجا دایر کرد. با وجود اعتراضات شرکت

۱. بنا بر اسناد کارگزاری خوزستان در سال ۱۳۲۳ ق. «شک نیست از اوقاتی که لرد کرزن به فرمانفرمایی هندوستان معین و روس به جنگ ژاپن مشغول و اقدامات دولت ابد مدت در خصوص [...] مسموع شد، توجه انگلیس به این حوالی و حصول مقاصد دیرینه بیشتر مصروف و معطوف گردید... از جمله این ایام از شیخ اینجا و حاج محمد علی چاره جویی کرده اند چه نوع می‌توانند به مقاصدی که در امتیازات حاج معین‌التجار دارند، دست یابند. حاج محمد علی گفته اگر آنها را از خود حاج معین بخواهیم، بلکه کماکان به مشکلات تصادف بمانیم. بهتر این است این نزدیکی‌ها که معین به اینجا می‌آید، شاید دوستانه اسبابی فراهم کنند که حاج معین آنچه در عربستان دارد به هر مبلغ است، به او بفرشد و همینکه حاج معین قطع علاقه کرد و با خودشان شد هر چه بخواهند بی‌مانع و کار در دست خودشان خواهد بود.» (سیاست بریتانیا در خلیج فارس، ۱۳۷۹، صص ۱۱۲ - ۱۱۱).

ناصری معین‌التجار، این امتیاز در سال بعد (۱۹۱۱) به مدت یک سال دیگر هم تمدید شد (لیتن، ۱۳۶۷، ص ۵۹).

از جمله امتیازات دیگری که دولت قاجار به معین‌التجار واگذار کرد، امتیاز انحصاری راه شوسه تمام ایران بود که در سال ۱۳۲۳ ق. به واسطه حاجی حسین آقا پسر محمدحسن خان امین‌الضرب از مظفرالدین شاه قاجار گرفته شد، که البته امتیازی مشترک میان هفت نفر از جمله خود حاجی حسین آقا، عین‌الدوله، مشیرالدوله، ناصرالسلطنه، ارفع‌الدوله، حاج فرج آقا تاجر آذربایجانی، و معین‌التجار بوشهری بود (مغیث‌السلطنه، ۱۳۶۳، ص ۹۶).

معین‌التجار، تنها شخصیتی اقتصادی نبود و حضور پررنگ او در برخی رویدادهای تأثیرگذار سیاسی دوره قاجار در متون این دوره ثبت شده است. فریدون آدمیت، از معین‌التجار در کنار نام برخی تاجران این دوره، مانند ملک‌التجار اصفهانی، به عنوان افرادی شاخص در مبارزه علیه تأسیسات استعمار غربی یاد کرده است (۲۵۳۶، ص ۳۷۰). صفت استعمار ستیزی احتمالاً به چند دلیل عمده به این تاجر نامدار داده شده است.

نخست، مخالفت او با سلطه بلژیکی‌ها در امور مالی و گمرک ایران، به خصوص مسیو نوز بلژیکی (مغیث‌السلطنه، ۱۳۶۳، صص ۴۹-۵۰؛ حمیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۰)؛ و دوم حمایت آشکار و پر قدرت او به عنوان نماینده صنف بازرگان در دوره اول مجلس شورای ملی، از تأسیس بانک ملی در ایران، برای جلوگیری از استقراض خارجی (افشار، ۱۳۶۸، ص ۲۷؛ مغیث‌السلطنه، ۱۳۶۳، ص ۱۳۰؛ ترابی فارسانی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۱). معین‌التجار، پس از ارسال نامه صدراعظم، در ۲۲ رمضان ۱۳۲۵، به مخبرالسلطنه، مبنی بر اینکه «...دولت بیست کروور تومان فعلاً قرض داخلی دارد که در ادای آن ناگزیر است با دولت روس و انگلیس مذاکره کند» برخاست و گفت «...با این عجله قرض کردن ولو یکصد هزار تومان هم باشد، برای دولت و ملت عاقبت نیکو ندارد. ملت نمی‌تواند خانه و لانه خود را به روس و انگلیس بدهد که چه خبر است امیربهادر جنگ و فلان وزیر و فلان دبیر و فلان امیر پول می‌خواهد» (یغمایی، ۲۵۳۵، صص ۲۴۰-۲۵۱؛ آدمیت، ۱۳۸۷، صص ۴۳۴-۴۳۵). و کلاهی دیگر هم بر این باور بودند که «...مملکت و سلطنت امروز جانی است بی روح. هر چه داشته‌اید، از کف داده‌اید. گمرک شما در مقابل قرض دولت روس است. تلگرافخانه در مقابل قرض از بانک استقراضی. پستخانه در مقابل قرض از بانک شاهنشاهی. شیلات، معادن و غیره هر چه داشته‌اید از دست داده‌اید» (مغیث‌السلطنه، ۱۳۶۳، صص ۱۳۶-۱۳۷).

و سومین دلیل، استعمار ستیزی او و مخالفت جدی و آشکارش با قرارداد ۱۹۱۹ است. به گفته یحیی دولت‌آبادی «...در میان رجال دولت، چهار تن یکی از مراکز ضد قرارداد را تشکیل می‌دادند که عبارت بودند از صادق مستشارالدوله تبریزی، میرزا حسن خان محتشم‌السلطنه،

مختارالملک تبریزی، و معین‌التجار بوشهری» (۱۳۶۱، ج ۴، صص ۱۳۴-۱۳۵؛ آوری، ۱۳۶۱، ص ۲۵۱). مخالفت مؤثر او و دیگران باعث برگزاری جلساتی با شرکت آنان نزد وثوق‌الدوله گردید. جلساتی که در آن، وثوق‌الدوله سعی در اثبات حسن نیت خود در انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ و آنان سعی در متقاعد کردن او به الغای قرارداد داشتند. بنابر اسناد وزارت خارجه بریتانیا، توضیحات وثوق‌الدوله کسانی چون عین‌الدوله و مشیرالدوله را راضی می‌کرد؛ اما معین‌التجار و امام جمعه خوبی کماکان بر ضد قرارداد فعالیت می‌کردند (شیخ الاسلامی، ۱۳۳۸، ج ۱، صص ۷۷-۷۸؛ کمره‌ای، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۰۸۴). وثوق‌الدوله، حتی برای منصرف کردن مخالفان جدی خود از مخالفت با قرارداد، به آنها پیشنهاد رشوه داده بود^۱. اما این رشوه‌ها ثمربخش نبود و وثوق‌الدوله، ناگزیر، معین‌التجار را به همراه عده‌ای دیگر، به کاشان تبعید کرد (شیخ الاسلامی، ۱۳۳۸، ج ۲، ص ۲۶۵؛ ج ۱، صص ۲۶۵-۲۶۶؛ راضی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۳؛ عاقلی، ۱۳۷۹، صص ۱۳۱-۱۳۲).

در دوره قاجار، حضور مؤثر معین‌التجار را در رویدادهای دیگری نیز می‌توان سراغ گرفت. از واسطه‌گری او و دیگر تجار میان شاه و درباریان و بست‌نشینان مشروطه‌خواه سفارت انگلیس، که منجر به طرح درخواست‌های جدی شد، مانند تأسیس مجلس، انفصال عین‌الدوله از صدارت، و بازگشت علما از قم و دیگر تبعیدشدگان از جمله سعدالدوله به تهران (پهلوان، ۱۳۶۴، صص ۲۳۵-۲۳۶)؛ تا وساطت او میان ملیون و سید مرتضی اهرمی در بوشهر با محمدعلی‌شاه (دشتی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۹) و واسطه بودن در روابط رئیس علی دلواری و مجلس و دولتیان (دشتی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۹).

معین‌التجار، تاجر پرشور و آزادی‌خواه، در اواخر دوره قاجار و در دوره‌ای که آرام‌آرام زمزمه انتقال قدرت و انقراض قاجار شنیده می‌شد، باکمال احتیاط و قیاس را زیر نظر داشت و شاید از همین روست که عشقی در جمهوری نامه خود از او یاد کرده است (مکی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۹۲).

معین‌التجار، در گذر از دوره قاجار به پهلوی هم اعتبار دیرینه خود را حفظ کرد. اعتباری که بخشی از آن- چه در دوره پیشین و چه در زمانه جدید- به واسطه نزدیکی سیاسی به خاندان حاکم و دولت‌های وقت بود و از همین روست که او به مناسبت ریاست وزرایی رضاخان سردار سپه- که سرآغاز قدرت‌گیری چند سال آینده او و ارتقای مرتبه‌اش به پادشاهی ایران بود- در خانه خود جشنی ترتیب داد. مراسمی که با حضور شخص رئیس‌الوزرا اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت و در آن خطابه‌هایی ایراد و اشعاری در وصف رضاخان خوانده شد (میلسپو، ۲۵۳۶، ص ۱۷۵). با این همه، به نظر می‌رسد برگزاری این مراسم بیش از آنکه حاصل فرصت‌طلبی و موقعیت‌شناسی معین‌التجار باشد، حاصل روح زمانه اوست که به‌دیده مثبتی به رضاخان می‌نگریست و او را به چشم مصلحی می‌دید که در زمانه‌ای که تصور می‌شد ایران

۱. «حاج معین‌التجار را در خصوص چندین هزار تفنگ که به توسط برادر سید حسن بوشهری در سنه ۱۳۳۱ وارد ایران و دولت آن را به عنوان قاچاق برده بود، دولت برای اسکات او این سوخته طلب را برای او نقد نمود. به او قرار پرداخت را داد. حاج امام جمعه خوبی را هم یکصد و پنجاه هزار تومان خسارت از روس و عثمانی که صورت داده بود، در جنگ بین المللی به املاک آذربایجان او وارد شده مشغول که از فال بگذرد» (کمره‌ای، ۱۳۸۴، ج ۲، صص ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳).

بیش از هر چیز به مشت آهنین نیازمند است، شخصیت کارآمدی به حساب می‌آید.

دور اول درگیری‌های معین‌التجار - ملکم‌ها

برای بررسی مسئله هر موز در روابط ایران و انگلستان در دوره مظفری، ابتدا، باید به این موضوع توجه داشت که درباره درگیری میان تکران ملکم ارمنی و معین‌التجار بوشهری بر سر اجاره هر موز، جدای از اسناد آرشیوی موجود در وزارت خارجه ایران، دو روایت مفصل موجود است.

روایت نخست، توضیحات خود معین‌التجار در رساله تذکره للمتقین است که در رمضان ۱۳۳۹ در مطبوعه فاروس به چاپ رسیده؛ و دیگر، توضیحات مفصل احتشام السلطنه است، که در آن زمان معاونت وزارت خارجه ایران را بر عهده داشت. بین این دو روایت، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که وقتی با متن اسناد آرشیوی موجود مقایسه شود، درمی‌یابیم که توضیحات معین‌التجار به واقعیت نزدیک‌تر است.

احتشام السلطنه بر این باور است که سید اصغر نامی، امتیاز بهره‌برداری از معادن خاک سرخ جزایر هر موز، خارک، و بستانک را به معین‌التجار فروخته بود (احتشام السلطنه، ۱۳۶۶، ص ۲۸۵). در حالی که، معین‌التجار نوشته است که استخراج خاک سرخ در ابتدا از سال ۱۳۰۰ ق. از طرف ملک‌التجار بوشهری به حاجی ناخدا علی واگذار گردید، که در اداره جهازات ملک‌التجار مستخدم بود؛ و باید سالی صدالی دویست تومان از منابع این کار به حاجی ناخدا علی می‌رسید. این فرد، تا ۱۳۰۷ ق. هر موز را به سالی یکصد و پنج تومان متصدی بود و مقداری هم از این خاک را به خارج صادر می‌کرد. در ۱۳۰۷ ق.، که سعدالملک حاکم بنادر گردید، از طرف دولت، امتیاز بهره‌برداری از معادن خاک سرخ جزیره هر موز به حاجی ناخدا علی پنج ساله اجاره داده شد و فرمان آن به این صورت صادر گردید که در عوض آن سالی چهارصد تومان به دولت بپردازد. بعد از اتمام مدت اجاره او، حاج جعفر علوی، طالب اجاره گردید و تعهد کرد که دو هزار تومان نقد و ده ساله، سالی هزار تومان به کارگزاران دولتی بپردازد. بنابراین، امتیاز بهره‌برداری از خاک سرخ جزیره هر موز در قراردادی ده ساله به او اجاره داده شد. اما با وفات زود هنگام او و رسیدن این وظیفه به پسرش، حاجی محمد شریف، جمعاً این خانواده به مدت یک‌سال و نیم در معدن خاک سرخ کار کردند و چون به جای کسب سود، ضرر می‌کردند اجاره خود را با اصرار و تمایل شخصی به معین‌التجار بوشهری واگذار نمودند. به این ترتیب، و با جمع سنوات پیش گفته، در ۱۳۱۴ ق. همزمان با قدرت‌گیری مظفرالدین شاه، معین‌التجار متصدی بهره‌برداری از امتیاز معادن خاک سرخ هر موز و توابع آن گردید و همانگونه که خود نیز به آن اذعان نموده است، این انتقال را به تأیید دولت نیز رسانید

(معین‌التجار، ۱۳۲۹ ق.، صص ۲-۴). به گفته او «...پس از آنکه زحمات زیاد و تحمل مخارج فراوان ترتیبات لازمه برای استکشاف و استخراج معادن آنجا و تسهیلات مقتضیه به جهت حمل و نقل آن از هر حیث فراهم شده و معدن خاک سرخ دایر گردیده بود، تکران ملکم تبعه دولت فخیمه انگلستان متعهد شد که هفتصد تومان بر یک هزار تومان مال‌الاجاره بیفزاید به این شرط که هفتصد تومان در حق جناب نظام‌الملک و دو‌یست تومان درباره خودش موجب برقرار شود که در واقع همان یک‌هزار تومان به دولت عاید شود و همینطور فرمان صادر کرده و فرمان مزبور را به امضای سفارت انگلیس رساند. حکم صادر شد که جزیره به تصرف مشارالیه داده شود» (معین‌التجار، ۱۳۲۹ ق.، ص ۴).

این فرد، یعنی تکران، همراه برادرش ارشام، از ارامنه بوشهر و جزء تجار درجه اول این بندر به حساب می‌آمدند. اجداد آنها از اصفهان به این شهر آمده و علاوه بر حضور پررنگ تجاری خود، ریاست تلگرافخانه برازجان را هم در اختیار داشتند. امری که با ارتباط گسترده آنها با انگلیسی‌ها - به نظر حاج عبدالغفار خان نجم‌الدوله - سبب می‌شد آنها تمامی اخبار مهم دولتی را که با تلگراف منتقل می‌گردید، به انگلیسی‌ها اطلاع دهند (نجم‌الدوله، ۱۳۳۸، ص ۱۲۳؛ ارجمند، ۱۳۸۸، صص ۱۶ - ۱۷).

درگیری معین‌التجار و ملکم‌ها بر سر اجاره هرموز در دوره مظفری، دو دوره متفاوت را گذراند. در دوره اول و پس از بیان ادعای آنان مبنی بر اجاره این جزیره، قرار بر این شد که در مجلسی با حضور امین‌الدوله صدراعظم ایران، میرزا محسن خان مشیرالدوله وزیر خارجه، ناصرالملک وزیر مالیه (معین‌التجار، ۱۳۲۹ ق.، ص ۵)، هاردینگ وزیر مختار انگلستان، کلنل پیکو نایب سفارت انگلستان، مستر تایلور (در منابع این دوره نام این فرد، طیلر آمده است)، جنرال فنسول آمریکا به‌عنوان وکیل ملکم‌ها، و مشارالسلطنه به وکالت معین‌التجار و احتشام‌السلطنه - که در آن زمان معاون وزارت خارجه بود - درباره این موضوع تصمیم‌گیری شود (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶، صص ۲۹۰ - ۲۹۱). به گفته احتشام‌السلطنه، امین‌الدوله، که شش هزار تومان برای موافقت با اجاره جزایر به ملکم‌ها پیشکش دریافت کرده بود (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶، ص ۲۸۵)؛ در تمام جلسه هم نظر مساعدی به حقانیت ملکم‌ها داشت (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶، ص ۲۹۲). استدلال ملکم‌ها و سفیر انگلستان بر این موضوع قرار داشت که احکام دولتی که به نام ملکم‌ها صادر شده است، ناسخ احکام سابق و لاجرم ناسخ حق اجاره‌داری معین‌التجار بر هرموز است. در حالی که، به اعتقاد احتشام‌السلطنه «شاه و صدراعظم حق نداشتند که ناسخ احکام و فرامین سابق خود را بدهند و ملکی را قبلاً به شخصی دادند پس گرفته و به دیگری بدهند» (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶، ص ۲۹۳). با اذعان تایلور به حقانیت شاه و صدراعظم در این باره، احتشام‌السلطنه دست بالا را در استدلال

به دست آورد و گفت: «حالا که شما احکام مؤخر را معتبر می‌دانید، همین الساعه راپورتی به حضور شاه عرض کرده و با توضیح موقوف در خواست می‌نمایم که فرمان جدیدی برای معین‌التجار صادر و مالکیت او را مجدداً تنفیذ فرمایند و البته با اشاره به سابقه امر و اینکه جزایر ملک حقیقی و ایتبای معین‌التجار بوده... استدعا می‌کنم در فرمان جدید قید فرمایند اکنون که سبق مالکیت معین‌التجار محرز و مسلم گردیده، احکام و فرامین سابق نسخ و مالکیت قدیمی معین‌التجار و اسناد و احکامی که در دست دارد، نافذ و معتبر شناخته می‌شود» (احتشام السلطنه، ۱۳۶۶، ص ۲۹۴).

با این شرایط مقرر گردید براساس رأی صدراعظم، جزیرهٔ هرموز را به معین‌التجار بازگردانند و «از بابت وجهی که ملک‌ها مدعی هستند در اول برای گرفتن جزیرهٔ هرموز به بعضی اشخاص داده‌اند قرار داده شد... مجلس و رسیدگی شده... و هر چه را که مدلل و معین شد در معادن مزبوره خرج کرده‌اند بعد از وضع محصولی که از آنجا فروخته و خارج کرده‌اند، حکم شود معین‌التجار از عهده برآید» (استادوخ: 7 - P2 - K22 - GH1318).

وزیر مختار انگلستان در ۲۶ محرم ۱۳۱۶، مبلغ پیشکشی ملک‌ها به معاون‌الدوله و اقبال‌الملک را معادل نه هزار و هشتصد تومان دانست (استادوخ: 8 - P2 - K22 - GH1318) و از تعویق به عمل آمده در برگزاری مجلسی برای بررسی میزان مخارج ملک‌ها در معادن جزیرهٔ هرموز انتقاد کرد (استادوخ: 19 and 8 - P2 - K22 - GH1318). انتقادی که پاسخی از طرف دولتمردان ایرانی نیافت و وزیر مختار انگلستان را در پایان این سال بر آن داشت که هشدار دهد چنانچه تا پایان موعد مقرر (۲۲ ذیحجه ۱۳۱۶) مخارج ملک‌ها به آنها داده نشود، موضوع را به وزیر امور خارجه انگلستان، لرد سالیسبوری، اطلاع خواهد داد (استادوخ: 19 - P2 - K22 - GH1318).

دولت ایران ضمن تحت فشار گذاردن اقبال‌الملک، برای باز پس دادن مبلغ نه هزار و هشتصد تومان تنخواه جزیرهٔ هرموز (استادوخ: 4 and 14 - P2 - K22 - GH1318)، از وزیر مختار انگلستان درخواست کرد که اصل فرمانی که ثابت می‌کند دولت ایران امتیاز بهره‌برداری از معادن خاک سرخ هرموز را به ملک‌ها داده است، به دولت ایران تحویل دهد تا در مقابل، مبلغ مورد ادعا به ملک‌ها مسترد گردد (استادوخ: 17 and 11 - P2 - K22 - GH1318). با این حال، اعتراض و مقاومت اقبال‌الملک، حاکم ولایات ثلاث در ۲۵ صفر ۱۳۱۷ (استادوخ: 18 - P2 - K22 - GH1318)، وزارت خارجه را بر آن داشت تا در ۲۹ ربیع الاول همان سال به او اطلاع دهد که می‌بایست حتماً مبلغ ۲۲۰۰ تومان را که عاید او گردیده، باز پس دهد (استادوخ: 16 - P2 - K22 - GH1318). اما، بنا بر اظهارات معین‌التجار، به نظر می‌رسد در نهایت، و با عدم قبول اقبال‌الملک، این شخص معین‌التجار بود که ناگزیر شد برای جلوگیری از

«امتیاز بهره برداری از معادن خاک سرخ هرموز» در روابط ایران و...
تهدید سفارت انگلستان مبنی بر بازپس‌گیری معادن هرموز در صورت عدم تأدیه نه هزار و هشتصد تومان، این مبلغ را به سفارت انگلستان داده و در مقابل بطلان فرمان واگذاری هرموز به ملکم‌ها را دریافت دارد (معین‌التجار، ۱۳۲۹ ق، ص ۶).

دور دوم درگیری‌های معین‌التجار - ملکم‌ها

دور دوم درگیری معین‌التجار و ملکم‌ها، بر سر معادن خاک سرخ هرموز، پنج شش سال بعد آغاز شد. زمانی که به گفته معین‌التجار «در زمان صدارت حضرت اشرف والا شاهزاده عین‌الدوله کمپانی استریک که با ملکم شراکت داشت از خارج و داخل در طهران بعضی وسائل برانگیخت که شاید مجدداً جزایر را به آنها برگذار نمایند» (معین‌التجار، ۱۳۲۹ ق، ص ۷).

همزمان با تلاش دوباره ملکم‌ها برای در اختیار گرفتن امتیاز بهره برداری از معادن خاک سرخ هرموز، شایعاتی مبنی بر تابعیت این دو برادر به دولت انگلستان به وجود آمد. دولت ایران، طی نامه‌ای به تاریخ ۲۷ جمادی الاول ۱۳۱۹، از آنان خواست که به تابعیت ایرانی خود اعتراف کنند و چون آنان عین این درخواست را به کنسول انگلستان ارائه دادند در جواب آن، در ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۱۹، نامه‌ای برای وزارت خارجه ایران ارسال گردید که در آن تکران ملکم به‌عنوان فردی «تحت حمایت دولت بهیه قیصریه انگلیس» معرفی گردیده بود (استادوخ: ۱۳۱۹-۲-۱-۷-۰۰۹).

محمدعلی خان، کفیل کارگزاری بوشهر، در جواب این نامه، در ۱۵ جمادی الثانی پاسخ داد که «آنکه مرقوم فرموده بودند که تکران ملکم در تحت حمایت دولت بهیه قیصریه انگلستان است مایه تعجب دوستدار شده زیرا که از قرار ترکمانچای فقط حق حمایت آن هم به‌اندازه محدود از رعایا دولت علیه ایران آن هم در ایران در صورتی دارند که آن رعیت در خود خاک مقدمه ایران مستخدم دولت بهیه قیصریه بوده باشد چون عالیجاه مستر تکران ملکم به هیچگونه سمت استخدام به آن دولت بهیه ندارند به‌کدام وسیله در تحت حمایت آن بالیوزگری محترمه درآمده است؟» (استادوخ: ۱۳۱۹-۲-۱-۷-۰۰۸).

از سوی دیگر، محمدعلی خان یادآوری کرد که چون در نامه بالیوزگری انگلستان تنها به نام تکران اشاره شده است؛ بنابراین، این نشانی است از اینکه حتی در صورت صدق ادعای حمایت دولت انگلستان از این تبعه ایرانی، این ادعا درباره ارشام برادر او قابل صدق نیست (پیشین). بالیوز انگلستان، در تعاقب نامه کفیل کارگزاری ایران در بوشهر، در نامه‌ای به تاریخ ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۱۹ بر ادعای خود درباره حمایت دولت انگلستان نه تنها از تکران بلکه از ارشام برادر او هم تأکید کرد (استادوخ: ۱۳۱۹-۲-۱-۷-۰۰۹).

محمدعلی خان، دو روز بعد در ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۱۹، ادعای بالیوزگری انگلستان

را به استحضار مقامات وزارت خارجه ایران رسانید و از آنجا که در نامه بالیوز انگلستان بر روی آگاهی مقامات ایرانی از این موضوع تأکید شده بود، درخواست کرد که چنانچه « در این خصوص در وزارت خارجه هست مستدعیم تلگرافاً خانزاد را مسبوق فرمایند» (استادوخ: ۱۲-۷-۱-۲-۱۳۱۹).

در پاسخ به این تلگراف، وزیر امور خارجه، به خط خود در زیر تلگراف نوشت که: « بنویسند اینها رعیت ایران هستند و وزارت خارجه نمی تواند حمایت دولت انگلیس را درباره آنها تصدیق نماید» (استادوخ: ۱۲-۷-۱-۲-۱۳۱۹).

محمدعلی خان، در نامه‌ای به تاریخ ۲۸ جمادی الاخری ۱۳۱۹ ادعای حمایت انگلستان از دو ارمی نامبرده در بالا را بر اساس فصل دوازدهم عهدنامه پاریس، منعقد در سال ۱۲۷۳ ق. باطل دانست (استادوخ: ۱۱-۷-۱-۲-۱۳۱۹).

کارگزاری بوشهر در این زمان، نه تنها مذاکرات مداومی با بالیوزگری انگلستان داشت؛ بلکه به صورت دائمی وزارت خارجه ایران را از مفاد مذاکرات با خبر می نمود (استادوخ: ۲۴-۷-۱-۲-۱۳۱۹).

وزارت خارجه نیز در تمامی نامه‌های خود رو به کارگزاران ایرانی بنیاد بر صراحت بر تابعیت ایرانی ارشام و تکران ملکم تأکید می نمود (استادوخ: ۲۵-۷-۱-۲-۱۳۱۹؛ ۲۴-۷-۱-۲-۱۳۱۹).

در نهایت، با نظر مساعد عین الدوله صدراعظم و نصرالله مشیرالدوله وزیر خارجه ایران، معین‌التجار پذیرفت که به شرط برقراری دو هزار تومان موجب در حق فرزندان و نیز صدور فرمان دائمی واگذاری معادن خاک سرخ به نام او، میزان دوازده هزار تومان بر مبلغ اجاره اولیه خود بیفزاید (معین‌التجار، ۱۳۲۹ ق.، ص ۸).

تحلیل رویدادهای مرتبط با اجاره امتیاز بهره‌برداری از معادن خاک سرخ هر موز و رقابت معین‌التجار و ملکم‌ها بر سر آن، چند نکته مهم در ساختار اداری ایران دوره قاجار را روشن می‌کند:

نخست، رسم نامیون اجاره بهره‌برداری از معادن بنادر و جزایر کشور به اتباع ایرانی، عملی که حاصل غفلت و عدم آگاهی حکوت قاجار (نوربخش، ۱۳۶۹، ص ۱۷۹)، عدم تمرکز دولت مقتدر و بی توجهی دولتمردان پایتخت نشین به حوادثی بود که فرسنگ‌ها دورتر از آنان در کرانه‌های خلیج فارس - که مورد توجه بیگانگان بود - رخ می‌داد. از سوی دیگر، وقایع توصیف شده، به روشنی، گستردگی رشوه‌خواری در میان دولتمردان قاجاری را نشان می‌دهد. مفهومی که جامعه‌شناسان در بحث از فساد از آن یاد می‌کنند و آن را می‌توان به دو گونه فعال و غیرفعال تقسیم کرد. فساد فعال وقتی است که مثلاً پول برای اخذ امتیاز معینی

از یک مقام اداری - سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ناظم‌الاسلام کرمانی از پرداخت پول از سوی معین‌التجار به آقا میرزا محمد صادق برای انتخاب شدن در شمار نمایندگان مجلس اول اشاره کرده (۱۳۶۲، ج ۳، صص ۵۱۰ و ۵۳۴) و یوسف مغیث‌السلطنه از پرداخت رشوه از سوی او برای جلوگیری از انتصاب سعیدالسلطنه به حکومت بنادر پرده برداشته است (۱۳۶۳، ص ۱۴۰؛ خلیفه زاده، ۱۳۸۲، ص ۲۶۶). این در حالی است که او گاه از بیم جان ناگزیر دست به سلاح کارآمد پول برده تا از مهلکه کودتای محمد علی شاهی جان سالم به در ببرد (مامانوف، ص ۲۱۶). رسمی که به‌سان عادت‌ی شوم و نامیمون بر اثر مقتضیات جامعه قاجاری نسل به نسل از پدران به فرزندان نیز به ارث می‌رسید؛ به‌گونه‌ای که فرزندان معین‌التجار هم پس از فوت او و برای کسب موقعیت اقتصادی - سیاسی پیشین پدر حتی درصدد برآمدند تا با رضاشاه هم همان معامله‌ای را کنند که با پادشاهان قاجاری می‌کردند (میرزاصالح، ۱۳۷۲، صص ۳۵۱ - ۳۴۹).

در مقابل، فساد غیرفعال حالتی است که برای رشوه‌گیرنده مطرح می‌شود؛ چرا که او قبول می‌کند در مقابل دریافت پول، امتیازات مورد نظر پرداخت‌کننده رشوه را برای او فراهم نماید (محسنی، ۱۳۸۶، صص ۱۴۳ - ۱۴۴). از جمله مصداق‌های فساد غیرفعال هم می‌توان به تمامی دولتمردانی اشاره کرد که نامشان در صفحات پیشین آمده و اسناد آرشیوی وزارت خارجه گواه صادق آن است.

به این ترتیب، به‌نظر می‌رسد علت‌العلل بروز رویدادهایی چون مسئله هرمز در روابط خارجی ایران از ساختار بیمار اداری ایران عصر قاجار ناشی می‌شود که اتباع ایرانی را، فقط به دلیل تفاوت مذهبی، به وابستگی به دولتی بیگانه ترغیب می‌کرد و راه نفوذ بیگانگان در مقدرات سیاسی و اقتصادی کشور ایران را هموار کرد.

نتیجه‌گیری

یکی از رویدادهای سازنده روابط خارجی ایران و انگلستان در دوره قاجار به موضوع مجادله بر سر اجاره امتیاز استخراج معادن خاک سرخ هرمز و مناطق وابسته به آن اختصاص دارد که میان معین‌التجار بوشهری و دو تن ارمنی تحت‌الحمايه دولت انگلستان به نام‌های ارشام و تکران ملکم روی داده است. درگیری میان این دو گروه از اتباع ایرانی در دو دوره متفاوت و مجزا از یکدیگر، یعنی در سال‌های ۱۳۱۴ ق. و سپس ۱۳۱۹ ق.، روی داد که نتیجه نهایی هر دو دوره، پیروزی معین‌التجار و ناکامی ارمنه تحت‌الحمايه انگلستان در دستیابی به امتیاز استخراج معادن خاک سرخ هرمز و توابع بود. امری که می‌توانست نقطه اتکای دیگری، برای انگلیسی‌ها، در خلیج فارس، فراهم کند. در بررسی این رویداد، بیش از هر چیز می‌توان

ضعف حکومت مرکزی ایران در اداره نواحی مختلف کشور، ناآگاهی حکمرانان قاجاری از پیامدهای دخالت بیگانگان در امور کشور، و نفوذ گسترده آنان در میان اتباع غیر مسلمان ایران را مشاهده کرد که همه آنها خطراتی جدی برای حاکمیت ملی ایران به حساب می آمدند.

کتابنامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۷). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*. تهران: نشر گستره.
- آدمیت، فریدون (۲۵۳۳). *افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*. تهران: انتشارات آگاه.
- اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس* (۱۳۶۸). تهران: موسسه کیهان.
- آوری، پیترا (۱۳۶۱). *تاریخ معاصر ایران*. تهران: موسسه مطبوعاتی عطایی.
- مباران مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۶*، (۱۳۶۳). (به اهتمام همایون شهیدی). بی جایی نا.
- پهلوان، جنگیز (۱۳۶۴). *زمینه ایرانشناسی*. تهران: نشر فراز.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- حمیدی، جعفر (۱۳۸۰). *فرهنگ نامه بوشهر*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- احتشام السلطنه (۱۳۶۶). *خاطرات احتشام السلطنه* (به کوشش مهدی موسوی). تهران: انتشارات زوار.
- خلیفه زاده، علیرضا (۱۳۸۲). *هفت شهر لیرای و بندر دیلم*. تهران: انتشارات شروع.
- دشتی، رضا (۱۳۸۰). *تاریخ اقتصادی و اجتماعی بوشهر در دوره قاجاریه با تکیه بر نقش تجار و تجارت*. تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی پایزنه.
- میلسیو، آرتور (۲۵۳۶). *ماموریت آمریکایی ها در ایران*. تهران: انتشارات پیام.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۱). *حیات یحیی*. تهران: انتشارات عطار و فردوسی.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۷۲). *رضاشاه، خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی و علی ایزدی*. تهران: طرح نو.
- کمره ای، سید محمد (۱۳۸۴). *روزنامه خاطرات سید محمد کمره ای* (محمد جواد مرادی نیا، کوششگر). تهران: انتشارات اساطیر.
- زندگینامه و شرح حال وزرای امور خارجه* (۱۳۷۹). (باقر عاقلی، ناظر). تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- سدیدالسلطنه بندرعباسی (۱۳۷۱). *سرزمین های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش*. تهران: جهان معاصر.
- سدیدالسلطنه کبابی، محمد علی (۱۳۴۲). *بندرعباس و خلیج فارس "اعلام الناس فی احوال بندرعباس"*. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- سدیدالسلطنه، محمد علی خان (۱۳۶۲). *التدقیق فی سیر الطريق*. بی جا: انتشارات بهنشر.
- نجم الدوله، عبدالغفار (۱۳۸۶). *سفرنامه دوم نجم الدوله به خوزستان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- سفیری، فلوریدا (۱۳۶۴). *پلیس جنوب ایران (اس. پی. آر)*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- جلالی، نادره (۱۳۷۹) (کوششگر). *سیاست بریتانیا در خلیج فارس (بررسی غائله شیخ خزعل)*. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- ارجمند، محمد (۱۳۸۸). *شش سال در دربار پهلوی (خاطرات محمد ارجمند، سرپرست تلگرافخانه مخصوص رضاشاه)*. تهران: نشر پیکان.
- شیخ الاسلامی، جواد (۱۳۳۸). *سیمای احمد شاه قاجار*. تهران: نشر گفتار.
- افشار، ایرج (۱۳۳۸) (کوششگر). *قباله تاریخ*. تهران: انتشارات طلایه.
- ساتن، الول (۱۳۸۴) (گردآورنده). *قصه‌های عامیانه مشدی گلین خانم*. ۱۱۰ قصه عامیانه ایرانی. تهران: نشر مرکز.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۶۲). *تاریخ بیداری ایرانیان*. تهران: امیر کبیر.
- لین، ویلهم (۱۳۶۷). *ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی*. تهران: انتشارات معین.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*. تهران: انتشارات طهوری.
- محمود، محمود (۱۳۳۷). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹*. تهران: اقبال.
- معین، التجار بوشهری، محمد (۱۳۲۹ ق.). *تذکره للمتقین*. بی‌جا: مطبعه فاروس.
- مکی، حسین (۱۳۷۴). *تاریخ بیست ساله ایران*. تهران: انتشارات علمی.
- مغیث السلطنه، یوسف (۱۳۳۳). *نامه‌های یوسف مغیث السلطنه (معصومه مافی، کوششگر)*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- نوربخش، حسین (۱۳۶۹). *جزیره قشم و خلیج فارس*. تهران: امیر کبیر.
- یغمایی، اقبال (۲۵۳۳). *کارنامه رضاشاه کبیر بنیان گذار ایران نوین*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

